



۲۰۱۹/۰۶/۰۳



س. ح. روغ

## به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟



گفتار بیست و یکم

سیما و ساختار حوزه ما دگرگون ساخته می شود!

مجلس مکه و ماسکو أسوه های یک صلح نزدیک شونده را ترسیم نکرده اند؛ صلح یک «خواندن مجلسی» نیست! مجلس ماسکو پیام و پیامد روشنی نداشت؛ در مجلس ماسکو کسی چیزی نو نگفت؛ طی کشمکش هایی که رخ دادند، یگانه چیزی که معلوم شد این بود که حلقه اصلی زنجیر سست تر شده می رود؛ این حلقه سست تر شده می رود که گویا جناب کرزی سکان طالبان را در دست داشته باشد.

جناب سیاف، یک وختی، یک گپ زد که چند زانو چقر است: «مجاهد ره که در آب هم پرتی، زنگ نمی زنه!!» سیاف اما نگفت که مقصدش از «مجاهد» کدام است؟ و مقصدش از «آب»، کدام است!؟

جنرال "دنفورد" گفت تا خطر تروریسم باقی است، امریکا در افغانستان باقی می ماند! جناب "پاسکو" بار دیگر تأکید کرد که استقامت اصلی جنگ بر علیه داعش معطوف می شود؛ بارچالانی جنگ از یالان طالبان گرفته می شود و بر پالان داعش سوار کرده می شود؛

طالبان گفتند به جنگ ادامه می دهیم! و این در حالی که طالبان در گشودن یک جنگ جبهه بی صولاً ناکام شده اند! قطعه سرخ طالبان در غزنی نابود شد؛ طالبان آخرین ظهورات خود را به نمایش می گذارند، تا در یک جای راحت تری در نظام قدرت، در افغانستان، منجذب شوند؛

در مجلس مکه گفتند که جنگ افغانستان حرام است! از مکه چند بار این آذان کردند، اما جناب حکمتیار گفت که از من می باید که استیذان کردند؛ حکمتیار گفت که انتحاری «بیلکل» شرعی است!

از جانب دیگر دور هفتم مذاکرات دوحه هم در پیش است؛ جناب داکتر خلیل زاد به تسریع جریان مذاکرات تأکید کرد؛ و گفت هدف امریکا تشدید خشونت نیست؛

در آلمان خانم "میرکل" صدراعظم آلمان، جناب "پامپیو" وزیر خارجه امریکا را به حضور پذیرفت؛ در مذاکرات دو جانب موضوع گفتگوی بین الافغانی هم منعکس بود؛ یعنی این ملاقات خطوط کاری «بُن سوم» را دقیق ساخت؛

«بُن سوم» یک اجلاس مهم خواهد شد؛ زیرا نقیصه اصلی مذاکرات دوحه و مسکو این بوده است که این دو مجلس خانه حاضری دولت افغانستان را قید کردند؛ حرکات این دو مجلس برای غیرحاضر نشان دادن دولت افغانستان در مذاکرات، به سوء قصد

علیه دولت افغانستان تعبیر شد؛ مجلس بن سوم این نقیصه را ندارد؛ و علاوه بر سوم، از موضع تصحیح اشتباهات بن اول، و بن دوم، دایر می گردد؛

جنگ ادامه می یابد! جریانات حاضر بر تداوم حالت جنگ متکی هستند؛ مجموع ساختار های کنونی طوری عیار شده اند که جنگ ادامه دار شود؛ «یونس» از خاطر این گپ خود «قانونی» شد که گفت: «جنگ های ما به خاطر صلح بوده است!» جنگ ادامه می یابد، چون هنوز به جنگ های جاری ضرورت است تا به تدریج واحد های ساختاری سیاسی کنونی در این کمربند جابجا شوند؛ دو همسایه ما ایران و پاکستان در آستانه این جابجایی قرار دارند؛ زانگوی این تحولات، نا امنی مداوم منطقوی است؛

و جنگ ادامه می یابد، چون ما افغانان تاکنون هم یک دکترین اثرگذار که بتواند یک چرخش منطقوی از جنگ بسوی صلح را در مقام برتر قرار بدهد، به میدان نکشیده ایم؛ افغانستان فقط با اتکا بر مقام ژئوپولیتیک خود می تواند چنین یک دکترین اثرگذار را به پیش بکشد؛ درجای دیگر به تکرار مستدل می سازیم که چنین یک دکترین اثرگذار «نظریه حوزة تمدنی ما» است؛ بهر حال! دو گپ غلط است:

یکی این که بگویم دو پروسه، جداگانه در جریان است: یکی در ماسکو؛ دیگری در دوحه؛ این غلط است؛ پروسه های ماسکو و دوحه از یک چوبخط خط می شوند؛

دیگری این که بگویم ترکیب کنفرانس ماسکو، ترکیب کابینه آینده افغانستان است؛ این غلط است؛ ترکیب مجلس ماسکو مجلسی بود، نه سیاسی!

• در کابل اتهامات در باره فحشا در درگاه مقامات، داغ ساخته شده است؛ در این که این یک شگرد انتخاباتی است، هیچ تردیدی نیست! اما در حاشیه این مسأله سه تذکر لازم است: یکی این که اصل برابری حقوق زن و مرد؛ و آزادی زنان؛ و تفویض مناصب به زنان صاحب صلاحیت، و دفاع از برابری زن و مرد در مقابل قانون، هیچ نسبتی با فحشا ندارد! دیگری این که شیوع، تا حد زیاد اجباری، فحشا از پیامد های جنگ دوامدار، و از پیامد های حضور خارجی در افغانستان است!

سوم این که مسأله ناموس در میان افغانان یک مسأله اصولی زندگی است؛ و به هیچ وجه مجاز نیست که چنین اتهامی سهل گرفته شود؛ بدون تردید، و «بهر قیمت»، این لکه ننگ از ارگ، و از مقام ریاست جمهوری، باید زدوده شود؛ داکتر اشرف غنی امر کرده است که خانونالی این اتهام را تحقیق کند؛ و جناب داکتر عبدالله عبدالله سخن بسیار بجایی گفته است: «راه حل سپردن به چنگال رشوتخوران نیست ... هنوز روی سیستم قضایی ما همو اطمینان بمیان نیامده که مردم افغانستان قناعت کنند»

سوال این است که این رهنمایی بسیار شرافتمندانه جناب داکتر عبدالله چرا جدی گرفته نه شود؟ و عملی نه شود؟ انتظار می رود که رئیس جمهور هدایت اکید بدهد که هرچه زود تر، و کاملاً فوری، فهرست نام های زنان و دختران باعفت افغان که قربانی تجاوز به عنف ساخته شدند؛ اختطاف شدند؛ فروخته شدند؛ کشته شدند؛ و خودکشی کردند؛ با ذکر نام عاملین و مقصرین این حوادث نشر شود؛ همه اسناد فحشا، در باره همه کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری، علنی ساخته شود؛ و همان طوری که جناب داکتر عبدالله به درستی بیان کرده در برابر مردم و جامعه مدنی افغانستان قرار داده شود!

• در پاکستان احوالات اصولاً تازه ای در حال انکشاف است؛ که به نظر می رسد از اختیار ضبط احوالات بیرون می رود؛ قیام گسترده «نهضت حمایت پشتون» که وارد چندمین ماه می شود، ارکان حاکمیت پنجابی در پاکستان را به لرزه آورده است؛ نهضت حمایت پشتون ادعا دارند که طالبان و سایر گروه های تروریستی شاخه های استخبارات نظامی پاکستان هستند که به

منظور سرکوب نهضت های پشتون و بلوچ در حوزه پشتون نشین و بلوچ نشین جابجا شده اند؛ و نهضت حمایت پشتون ادعا دارد که وسیله ایدیولوژیک این تهاجم بر علیه پشتون ها همان «اسلامگرایی» است، که یک پروژه بسیار محیانه استخباراتی است؛ و هیچ مناسبتی با دین اسلام ندارد.

پشتون ها قیام گسترده ای برای بیرون راندن واحد های اردوی پاکستان، و بیرون راندن اسلامیت ها از نواحی پشتون نشین، براه انداخته اند؛ اردوی پاکستان مانند همیشه با لشکرکشی و با بند و کشتار پاسخ داده است؛

محسن داور و علی وزیر دو رهبر مهم نهضت حمایت پشتون پس از ضرب و شتم زندانی ساخته شده است؛ همین اکنون تعداد کثیری از پشتون های وزیرستان و سایر ایجنسی ها به خوست و سایر ولایات پشتون نشین افغانستان عقب نشسته اند

شایان توجه این است که پشتون ها، با یک خودآگاهی، خود پاکستان را زیر سوال نه برده اند؛ و به حیث منادیان یک ندای اصیل برای سرنوشت پاکستان ظاهر می شوند؛ علی وزیر گفت: «بقای پاکستان به موضعگیری مردم پشتون وابسته است!!!»؛ همزمان نهضت حمایت پشتون با وضاحت و صراحت شعار می دهد که «ما افغان هستیم!» و «ما خارکشی روی خط دیورند را نمی پذیریم!»

دو معضل اصلی پاکستان کماکان حل نشده باقی مانده اند: بحران بسیار مهیب اقتصادی که هیچ راه حلی برای آن سراغ نیست؛ و مشکل پاکستان با هند که پس از انتخاب مجدد مودی، با شدت و حدت بمراتب بیشتری، دوباره مشتعل شده است؛ مهم ترین سیاستمداران پاکستان در پارلمان، و در برون از پارلمان، با جدیت تمام هشدار می دهند که پاکستان بار دگر در آستان یک «بحران بنگال» قرار گرفته است؛

بنظر نمی رسد که بحران کنونی پاکستان، تصادفی باشد، و یا با یک تصادف هم بپایان برسد! در گفتارهای پیش تر نقل کردیم که نهاد های تحقیقی در پاکستان جنگ های خیابانی را پیش بینی کرده اند؛ "بلاول بهوتو" گفت که اردوی پاکستان شکر بکشد که پشتون ها تاکنون سلاح بدست نگرفته اند؛ نهضت حمایت پشتون هنوز هم اصرار دارد که قیام ایشان مسالمت آمیز و غیر مسلحانه است؛ اما این موقف می تواند هر لحظه عوض شود؛

مصادف به روز جهانی زبان پشتو، بگوئیم: «غلی شانته اینکیلاب دی! بدلوی د زمانی رنگ!!»  
مردم افغانستان ۴۵ سال تحمل کردند!!!

با این وضعی که هم اکنون از کنترل گریخته است، کاملاً قابل فهمیدن است که پاکستان هم همه کارت ها را روی یک شماره به قمار گذاشته است: با استفاده از همه وسایل اشرف غنی از قدرت در افغانستان خلع شود؛ چون «پاکستان به غیر از غنی با هیچکس مشکلات ندارد!»

•  
وضعیت ایران هر چه بیشتر جدی می شود؛ صف آرای در میان ایران و سعودی همان مضحکه بی است که به جز خود ایران و سعودی همه جهان بر آن می خندند؛

به نظر می رسد ایران آخوندی جدی بودن وضع را درک کرده باشد؛ مبصرین ایرانی، مقیم مهاجرت در امریکا، اطلاع دادند که ظریف یک ملاقات طولانی با مقامات بالا رتبه قصر سفید داشته است؛ و همین مبصرین گفتند که ایران پذیرفته است که شرایط دوازده گانه امریکا را بلا تأخیر عملی بسازد؛ طی خبر بعدی روحانی گفت که تسلیم نمی شویم اما برای مذاکرات محترمانه آماده هستیم. در مقابل جناب "پامپو" اعلام کرد که برای مذاکرات بدون قید و شرط با ایران آماده است؛

ایرانی ها دانستند که منظور پریزیدنت ترامپ از این گپ که «ایران دیگر رسماً وجود نخواهد داشت»، این بوده است که امریکا ایران را تجزیه می کند؛ هرگاه عملیات امریکا علیه ایران آغاز شود، تهاجم اصلی متوجه اشغال بلوچستان ایران؛ و سیستان ایران؛ و خراسان ایران؛ و شاید کردستان ایران؛ خواهد بود؛ بدینگونه ایران تا ۴۰ درصد قلمرو خود را از دست خواهد داد؛

"پامپو" گفت ایران دشمن اصلی است!! اهمیت ایران برای آمریکا در این است که می تواند منبع تأمین انرژی چین و هند از طریق زمین قرار بگیرد! هرگاه این مثلث وصل شود، نه تنها ایران از مهار آمریکا می گریزد، بل چین و هند هم در برابر آمریکا موضع مستقل گرفته می توانند! اگر که با تمدید راه ابریشم چین می تواند خود را بی نیاز بسازد، اما هند نیاز بزرگ به انرژی وارده از ایران را نمی تواند دفع کند؛

گفتیم که ایران یک بخش مهم عساکر خود را در امتداد سرحدات افغانستان جابجا ساخته است؛ ایران کوشش کرده است تا تفاهم ترکیه و پاکستان را جلب کند؛ "ظریف" با عجله به پاکستان سفر داشت تا اطلاع بگیرد که از جانب سه پایگاه آمریکا در بلوچستان کدام تهاجم بر علیه ایران آمادگی گرفته می شود، و یا نه؟!

علیرغم تمکین متملقانه ایران، و برعکس حدسیات خوشبینانه، چنین به نظر نمی رسد که آمریکا از تهاجم به ایران صرف نظر کند؛ همین اکنون سه هزار کوماندوی آمریکایی به عراق و افغانستان سوق شده اند که بدون تردید مؤظف می توانند بود که در عملیات علیه ایران شرکت کنند!

اگر چنین شود، پس به زودی نقشه سیاسی ایران و پاکستان دگرگون خواهد شد!

"پامپو" گفت که به غول چین لگد محکمی زدیم! و غول چین از درد بخود پیچید و تور خورد و پس لگد محکمی زد: چین صادرات خاک های نادره خود را تا هفتاد فیصد کاهش داد! پیشرفته ترین رشته های صنایع در اروپا ۱۰۰ فیصد، و در آمریکا ۸۰ فیصد، به این خاک های نادره چینیایی وابسته هستند!!!

هیچ لازم نیست در این میان به سراغ مقصرین اصلی چراغ برداریم!

کاکا بادعیسی خود ما نوشت:

"این ماجرا خیلی هوشمندانه تر از توطئه است. این کار قالب زدن ذهن آدم های دنیا به نحوی است که فکر کنند هیچ انتخاب و امکانی جز آنچه بر سر شان می آید، ندارند.... نیرویی محرمانه و مخفی که تلاش می کند جهت حرکت جهان را تعیین کند".  
چلیاسک قرن ۲۱، پای در یک کمر بند گذاشته، و با یک فکر عمیقاً سنجیده شده، چلیپا می کشد! مسأله اصلی این است که تسلطی که پنج قرن پیش آغاز شد، کماکان و بلا رقیب ادامه بیابد! در این بزمگه بزه، هیچ مهمان ناخوانده، اگر خوانده باشد، یا خواننده باشد، نماینده ندارد!

آینده نشان بدهد که جهان تا چی اندازه به امر یک آمریکا، یکه و ریکا مانده است!

باردگر، فقط یک راه نجات داریم: حوزه تمدنی ما!

پایان گفتار بیست و یکم  
ادامه دارد



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار بیست و یکم)

Rogh\_h\_۴۱\_ba\_aozaaye\_watan\_tshiguna\_bengarem\_۲۱.pdf